

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر. اسن – المان

بشنو به تو می گویم

ای بار بر دستار ، بشنو به تو میگویم
روییده به رویت خار، بشنو به تو میگویم
ریش تو شده لانه ، شیطان ، نمود خانه
ای طالب بی افسار ، بشنو به تو میگویم
گه قتل و گهی غارت ، سر ها به سر دارت
کردی همه ماتم دار ، بشنو به تو میگویم
آیین خدائندی ، هم لکه و هم داغی
کردی همه را بیزار ، بشنو به تو میگویم
با درّه و باشلاق ، احراق و هم استنطاق
ای صاحب دار و تار ، بشنو به تو میگویم
عالم همه شد حیران ، با راکت و بم ، ویران
اصنام وطن بسیار ، بشنو به تو میگویم
مُدچپن و دستار ، عوض ، کفن و چلتار
پُر اژدر و مار هر غار ، بشنو به تو میگویم
اعراب سیه پستان ، فکرش همه گورستان
ای دایه بیمقدار ، بشنو به تو میگویم

گه اُشتر و گه حمار، گه خورجین و گه افسار
بر پشتِ تو سنگین بار، بشنو به تو میگویم
ای کُلفتِ چرکستان، وی کیسه کشِ فتان
با نالی و با پیزار، بشنو به تو میگویم
ای طالبِ ناجالب، ای سالبِ نا غالب
ای قالبِ اژدرهار، بشنو به تو میگویم
باقیزه روی روضه، در قبضه تو بیضه
ای ارضه هیضه خوار، بشنو به تو میگویم
نفروش و بخر نرخ، هر لحظه سوارِ خر
دلالِ خر و خرکار، بشنو به تو میگویم
میهن شده مخرابه، مردم شده سرکوبه
ای نسلِ جوان بیدار، بشنو به تو میگویم
ای طالبِ پشمینه، وی دشمنِ دیرینه
بس شکوه بود بسیار، بشنو به تو میگویم
ای باقلم و کاغذ، می یاب، یکی منفذ
مرقوم نما اشعار، بشنو به تو میگویم
بی پرده و بی جامه، مرقوم شد این نامه
«نعمت» بس ازین گفتار، بشنو به تو میگویم